

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره دوم - اردیبهشت ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۴۸

معرفی نسخه خطی و سبک‌شناسی دیوان رکن‌الدین دعویدار قمی

(صفحه ۴۵-۶۶)

محمد قاسم سیاوشی^۲، علیرضا شعبانلو^۳ (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت و پذیرش: بهار ۱۳۹۷

چکیده

نسخه خطی دیوان اشعار «رکن‌الدین دعویدار قمی»، شاعر گرانقدر سده ششم و اوایل سده هفتم علی‌رغم اشعار وزین، شخصیت شامخ و حضور پررنگش در یکی از مهمترین ادوار شعر فارسی، آنگونه که شایسته مقام والای اوست، مورد عنایت محققان ادب فارسی قرار نگرفته است. دیوان اشعار این شاعر اندیشمند ایرانی، مجموعه‌ای از اشعار عربی و فارسی، شامل نه صد و سه بیت عربی و دوهزار و سیصد و هفتاد و چهار بیت فارسی است. این نسخه تنها نسخه باقیمانده از دیوان شاعر است که «صدرالدین محمد بن جعفر بن علی بن محمد علی معمار اصفهانی» آنرا از سال ۱۰۳۹ تا ۱۰۴۱ هـ ق نگاشته است. این پژوهش بر آن است با ارائه توضیحاتی چند در باب احوال شاعر و بررسی و معرفی نسخه خطی دیوان وی، بررسی ساختار، سبک و ویژگیهای زبانی آن بپردازد و آن را از لحاظ زیبایی‌شناسی مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: دیوان شعری، رکن‌الدین دعویدار قمی، نسخه خطی، ساختار سبکی

۱- از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم، تمام مجلات علمی پژوهشی کشور به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علوم و تحقیقات واحد ساوه
m.siaavoshi@gmail.com

۳ - استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)
alireza.shabanlu@yahoo.com

The Introduction to the Manuscript and stylistics of Rokn Al Din Davidar Qomi's poems

Alireza Shabanloo¹ MohammadQasem Siavashi²

Abstract:

The manuscript of the poem "Rokn al-Din Qavidar Qomi", the great poet of the sixth and early seventh years, despite his valuable poetry, supreme character and his bold presence in one of the most important periods of Persian poetry, as deserves his supreme authority, as deserves his high status, the scholars of Persian literature did not consider it. The poetry of this Iranian thoughtful poet, a collection of Arabic and Persian poems, consists of nine hundred and three Arabic verses and two thousand three hundred and seventy four Persian verses. This version is the only remaining version of the poet's poem, written by Sadr al-Din Muhammad ibn Ja'far ibn Ali ibn Mohammad Ali Memar Esfahani from 1039 to 1041 AH. This research aims to examine its structure, style and linguistic features by analyzing a few points about the status of the poet and exploring and introducing a manuscript of the Divan, and examining it in terms of aesthetics.

Key words: Poetry Divan, Rokn al-Din Qavidar Qomi, Manuscript, Structure

¹ Associate Professor of the Institute of Humanities and Cultural Studies
(responsible author) alireza shabanlu@yahoo.com

² PhD student of Persian language and literature of Saveh University of Science
and Research m.siavoshi@gmail.com

بیان مسئله

موضوع پژوهش حاضر معرفی دیوان رکن الدین دعویدار قمی است وی فقیه شیعی مذهب در دهه‌های پایانی سده ششم و آغازین قرن هفتم است. بگفته تذکره نویسان، تالیفات ارزشمندی داشته، که تنها اثر بجامانده از او، دیوان شعری به عربی و فارسی است که آنرا بفرمان حاکم «عزالدین بن یحیی» گردآوری کرده است. این شاعر ذواللسانین چنان در سرودن اشعار عربی مهارت دارد که یک سوم دیوانش بقصاید عربی اختصاص دارد. چون رکن الدین شاعری مدیحه سرا است، بیشتر از قالب قصیده که متناسب با مدح است استفاده نموده و توانایی خود را در آن نشان می‌دهد با توجه به گرایشات او به شاعران پیشین، غالب اشعارش، تاثیرپذیر از شاعران متقدم و در عین سادگی و روانی تاثیر از معانی تکراری شاعران عرب است، آنچه در دیوان شاعر خودنمایی میکند، عفت کلام و تقوا بیانی شاعر است.

پیشینه پژوهش

این اثر تصحیح و مقدمه علی محدث، توسط انتشارات امیر کبیر در سال ۱۳۶۵ چاپ شده است و سابقه تصحیح دیگری ندارد علاوه بر آن مقاله‌ای نیز در نشریه ادبیات تطبیقی (علمی-پژوهشی) دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۹ بوسیله دکتر تورج زینی وند و لیلا قلندر لکی سلطانی، با موضوع «بازتاب فرهنگ و شعر عربی در دیوان رکن الدین دعویدار قمی شاعر ذواللسانین دهه‌های پایانی سده شش و آغازین سده هفت» بچاپ رسیده است. و پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «شرح احوال و دشواری‌های اشعار فارسی رکن الدین دعویدار قمی» بوسیله علی اکبر زارع در سال (۱۳۸۹) در دانشگاه شیراز انجام شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش بصورت کتابخانه‌ای است که به شیوه تحلیلی - توصیفی انجام میشود. برای انجام این امر نخست عکس نسخه‌های خطی و تذکره‌های چاپی و فرهنگها و سفینه‌ها که بخشهایی از اشعار این شاعر، در آنها ذکر شده، گردآوری میگردید سپس با مقابله با نسخه خطی آستان قدس، صورت صحیح آنها نگاشته شد و همچنین توضیح جامع و کامل شرح احوال شاعر با توجه بمنابع کهن و اشاراتی که به زندگی وی شده است، زندگینامه وی فراهم گردید و با اشعاری که از وی در دسترس بود درباره سبک شعری او بحث کافی صورت گرفته است و با استفاده از فرهنگها و لغت‌نامه‌های معتبر از جمله دهخدا، آندراج، ناظم الاطبا، منتهی الارب و ...، غوامض و دشواری‌های سروده‌های شاعر در تعلیقات

منعکس خواهد شد.

زندگینامهٔ رکن الدین دعوی‌دار قمی

دربارهٔ زندگی مولف نیز سطوری چند در تذکره آتشکده آذر بیگدلی تصحیح دکتر سادات ناصری، مجمع الفصحا هدایت، مخزن الغرائب، سلم السموات، فهرست کتابهای خطی آستان قدس رضوی تالیف احمد گلچین معانی، تاریخ نظم و نثر ایران مرحوم سعید نفسی، مونس الاحرار فی دقایق الاشعار تصحیح میر صالح طیبی، تذکره خلاصه الاشعار تقی الدین کاشانی، تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین تصحیح محسن ناجی نصرآبادی و... آمده است که در این مقال ذکر همهٔ آنها ممکن نیست ولی باید گفت که او فقیه شیعه مذهب بود که دیوانش را بفرمان «عزالدین یحیی» گردآوری کرد و «مداح امیر محی الدین مرتضی قمی و تخلصش دعوی است». (تذکره ریاض الشعراء، واله داغستانی: ۵۲۲) و بیشتر سروده-هایش تحت تأثیر سنت شعری فارسی و عربی قرار گرفته است. بدلیل گرایش بیش از حد شاعران و نویسندگان به ادب عرب در این دوره که بر «درک و ضبط و حفظ لغت و قواعد و دستور زبان تازی افزود» (سبک شناسی، بهار ج ۲: ۳۶۲)، دعوی‌دار قمی نیز همسو با این دگرگونیهای ادبی، سرایش شعر در هر دو زبان را آغاز کرد و به باور آذر بیگدلی «در مراتب نظم و نثر فارسی و عربی ماهر بود.» (آتشکدهٔ آذر، آذر بیگدلی، ج ۳: ۱۲۵۰) خصلت مدیحه-سرایی سبب شد بیشتر از قالب قصیده استفاده نماید و توانایی خود را در آن نشان دهد، گاهی نیز در قالب‌های ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، رباعی و غزل نیز اشعاری میسراید. قاضی رکن الدین دعوی‌دار قمی، از شیوه و سبک شاعران بزرگ شعر فارسی، بسیار بهره برده و با آن‌ها همگامی و همنشینی داشته است. با شاعران بزرگی همانند کمال الدین اسماعیل و اثیر الدین اومانی، مکاتبه و مشاعره داشت، «خلاق المعانی و پدرش، جمال الدین عبدالرزاق، وی را مدح کردند» (دیوان کمال الدین اسماعیل: ۵۸). گاهی نیز در اشعار خود از شاعرانی بزرگ چون فلکی شروانی (۵۸۵ ه. ق) و خاقانی (۵۹۵ ه. ق) یاد میکنند. از ویژگیهای بارز شعر او تقلید است، بهمین دلیل در اشعارش از نوآوری و ابتکار اثری نیست. بدلیل گرایش او به سبک و مضامین اشعار شاعران گذشته، غالب اشعارش، تحت تأثیر ساختار فکری و زبانی آنهاست، این شیوه را در شعرهای عربی خود نیز پی میگیرد. با این حال در اکثر قصایدش به شیوهٔ شاعری خود تفاخر میکند. اکثر تذکره نویسان معتقدند در اشعار عربی تحت تأثیر شعرای جاهلی و متقدم عرب قرار داشته است. از آنچه گفته شد میتوان این گونه برداشت کرد که قاضی رکن الدین دعوی‌دار قمی در اطلاعات صرفی و نحوی عربی استاد بوده است و دلیل بر این مدعا همین بس که در اشعار عربی وی هیچ‌گونه تسامحات و اشتباهات ادبی و

صرفی و نحوی مشاهده نمیگردد و اشعار عربی او استوار و موافق با قواعد ادب عرب است. آنچنان که اشعار عربی او نیز مانند اشعار فارسی جولانگاه اطلاعات علمی اوست. وی در دوره ادبی سبک عراقی و همزمان با اتابکان سلجوقی از حکومت‌های داخلی ایران و ناصرالدین، خلیفه عباسی زندگی میکرد. لذا میتوان ویژگیهای سبک عراقی را در دیوان او بوضوح مشاهده کرد.

دیوان رکن الدین دعویدار قمی

دیوان کامل شاعر موجود نیست. یک نسخه شامل منتخبی از اشعار او در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است این نسخه در صد و چهل و هفت صفحه از «مجموعه دواوین» ۶۰۵ برگ، در اندازه (۳۳×۱۷) سانتیمتر بخط نستعلیق مغلوط و کاغذ شکری آهار مهره و جلد تیماج خرمایی ضربی، مشتمل بر هشت تن از شعرای متقدم، که بوسیله «میرزارضاخان نائینی» در مرداد ۱۳۱۱ به کتابخانه مذکور وقف شده، و خط اثر خوش با مرکب سیاه، که در سرفصل عناوین از «شنگرف» استفاده شده و فاقد حاشیه‌نویسی، آغاز و پایان آن حفظ شده است. این نسخه با مقدمه‌ای شامل شرحی کوتاه از شاعر به خط فراهم آورنده مجموعه، صدرالدین محمد بن جعفر علی معمار اصفهانی آغاز میشود. «آثار مآثر و اخبار مفاخر قاضی امام رکن الدین محمد بن سعد بن هبه‌الله بن دعویدار قمی - قدس الله روح العزیز - اظهر من الشمس است و آن شخص بصورت و معنی مزین بوده، فضلی وافر حاصل کرد و خطی به غایت خوب نوشته ... از دیوان عربی و فارسی این بزرگ در این سفینه این مقدار ثبت افتاد و تا یادگار باشد در حکمیات و طیبات و انواع مشاهیر و بالله العصمه و التوفیق و به الحول و القوه» (همان: ۱۸۸).

نسخه خطی دیوان وی شامل مقدمه‌ای در شرح مختصر از احوال شاعر، به همراه سه هزار و دویست و هفتاد و هفت بیت از اشعارش، شامل اشعار عربی، اشعار فارسی و تعلیقات، در صد و چهل و هفت صفحه بنگارش درآمده است. که اشعار عربی آن با قصیده‌ای در مدح «مکین الدین ابوالحسن بن محمد بن محمد بن عبدالکریم بن مقداد قمی» آغاز میشود و با قصیده‌ای چهل و یک بیتی در مدح «امین الدین» به پایان میرسد:

امین الدین و دنیا جمیعاً و نفسی و الا قاصی و الدّیا
حباک الله ربّ الخلق طراً علی رغب العدی عیشاً رضیاً
(همان: ۲۰۸)

مجموعه اشعار عربی آن شامل نوزده قصیده، پنج قصیده ناتمام و سه غزل است. «مهمترین امتیاز اشعار عربی او این است که تسامحات و اشتباهات ادبی در آن دیده نمیشود شعر او

استوار و موافق با قواعد عرب است». (دیوان، محدث: ۲۶)، اما اشعار فارسی آن، شامل سی و پنج قصیده، دوازده غزل، دو ترجیع بند، سه ترکیب بند، یازده قصیده ناتمام و صد و شصت و دو رباعی است که با قصیده‌ای در مدح مظفرالدین اوزبک شروع میشود و با رباعی:

عهدیست که اندر آن سترگی هنر است بی اصل نمودن بزرگی هنر است
بسیار مزین لاف چو شیران ز هنر کامروز سگی مردی و گرگی هنر است

به اتمام میرسد.

مختصات سبکی

برای شناخت آثار ادبی باید ابزاری در اختیار باشد، یکی از این ابزارها سبک‌شناسی است بمعنی عام خود، عبارت است از تحقق ادبی یک نوع ادراک در جهان که خصایص اصلی محصول خویش (اثر منظوم یا منثور) را مشخص میسازد. (سبک‌شناسی، بهار، ج ۱ ص ۱۸) از وظایف سبک‌شناسی این است که « ببیند در دوره ای معین، انواع سازه‌های بیان کدامند و احساس و اندیشه را چگونه ابراز میدارند.» (درآمدی بر سبک‌شناسی ساختاری، غیائی: ص ۱۱)

فتوحی سبک دوره را صدای یک عصر و نوعی گفتمان میداند که در شرایط ویژه تاریخی و اجتماعی جریان مییابد و هنجارها و الگوهای ساختاری، زبانی، فکری خاصی دارد که بواسطه آنها از دیگر دوره‌ها و جریانها متمایز میشود نگاهی به سبکها و مکتهای هنری و ادبی در زبانهای مختلف نشان میدهد که چگونه سبکها تحت تاثیر گفتمانهای سیاسی و اجتماعی مسلط بر هر دوره شکل گرفته‌اند. (سبک‌شناسی، فتوحی رود معینی: ص ۸۳) و تردیدی نیست که تصحیح یک اثر خطی میتواند در روشنگری گوشه‌های مبهم تحقیقات، در زمینه تحولات سبکی و زبانی مفید باشد. به این معنی که با افزون شدن نمونه‌های مورد بررسی در هر دوره تعیین حدود تغییرات زبانی قطعاً از دقت بیشتر برخوردار خواهد گشت. چنانکه با مقایسه این اثر با آثار هم دوره و دواوین پیشین، تا حدی میتوان به تغییرات زبانی در ابعاد مختلف صرفی و نحوی پی برد و دریافت که زبان فارسی قبل و بعد از حمله مغول و تأثیر آن بر فرهنگ و علوم ایران، چه تغییراتی را پشت سر گذاشته و تا چه میزان توانسته است، پیوستگی و ارتباط خود را در این دو دوره حفظ کند و همچنین موجب آشنایی با شاعران و نویسندگانی میشود که با نگاشتن آثار بینظیر خود نه تنها پرچمدار فرهنگ و ادب این مرز و بومند بلکه تالیفات آنها سندهای موثقی است که بر اوضاع سیاسی، اجتماعی، و ادبی ایران در اعصار مختلف صحنه میگذارد. بنظر میرسد دیوان شعر رکن‌الدین دعویدار قمی

از این تغییرات و تأثیرات زبانی چندان متأثر نشده و زبان آن ساده و بی‌پیرایه و از تعقیدات لفظی و معنوی این دوره، که خصوصاً در اشعار شاعرانی چون خاقانی، نمود داشته، بی‌بهره مانده باشد و ما در دیوان رکن الدین ویژگیهای زبانی سبک خراسانی را بوضوح میتوانیم مشاهده کنیم و از سختیها و پیچیدگیهای سبک عراقی در آن خبری نیست همچنین بکارگیری واژگان عربی که از ویژگیهای سبک عراقی و عصر شاعر است، از بسامد بالایی برخوردار نیست؛ جز در چند قصیده که شاعر برای ساختن قوافی، از این واژگان استفاده میکند.

در بخش نحوی نیز حذف فعل از قرن ششم معمول بوده است اما رسم جاری بر آن بود فعل را در جمله نخستین اثبات کنند و در سایر جملات حذف نمایند، در دیوان رکن الدین در حذف افعال بقرینه، این هرج و مرج مشهود نیست، همچنین در دیوان این شاعر استعمال فعلهایی که امروزه کاربرد ندارند بسیار اندک است مانند: اندودن (گل مال کردن: فرهنگ رشیدی)، طرازیدن (آرایش دادن، پیرایش کردن: آندراج)، یازیدن (اراده کردن، قصد نمودن: برهان قاطع) و....

سطح ادبی

آنچه از دیوان رکن الدین دعوی‌دار قمی بجا مانده است، اشعاری است که بیشترین زمینه-اش مدح و ستایشگری است و شاعر چندان بمسائل علمی و آموزشی توجهی نداشته، هر چند برگزینده اثر در مقدمه دیوان بیان میکند که آن را از حکمیات و طبییات و انواع علوم مشاهیر انتخاب کرده است: «... بر مقتضای این مقدمات از دیوان عربی و فارسی این بزرگ، در این سفینه این مقدار ثبت افتاد، تا یادگاری باشد در حکمیات و طبییات و انواع علوم مشاهیر...» (دیوان کمال الدین اسماعیل: ۱۸۸)

البته با توجه بموضوع شعری رکن الدین دعوی‌دار قمی که شاعری مدّاح است و در قالب قصیده که مناسب مدحست، خودنمایی میکند. میتوان حکمیات و طبییات را مشاهده نمود اما مقصود برگزیننده، از علوم مشاهیر قابل درک و فهم و دریافت نیست و همچنین با توجه به غلطهای فراوان، میتوان فهمید که برگزیننده اثر از آن مایه و پایه ادبی برخوردار نبوده تا بتوان آنچه را که در خور این شاعر بزرگ ذواللسانین، که اکثر تذکره نویسان و بزرگان ادب بآن اذعان دارند، به‌گزین کرده باشد و بتوان بآن حکم کرد و نظر قطعی داد چه بسا اگر معیار او در انتخاب اشعار بلاغت بود؛ میبایست قصیده بسیار زیبای زیر را که جاجرمی در مونس-الاحرار آورده است. بی‌تردید انتخاب مینمود چه بسا اشعار زیباتری از این بزرگ، مورد توجه گردآورنده قرار نگرفته، و ما از آن بیخبر باشیم:

دوش آن زمان کانیج همی کردند ساز انجمن دست قضا این شمع زر برداشت زین سیمین لگن

(مونس الاحرار، جاجرمی، ص ۴۳۳)

او شاعری است که از لحاظ رتبه شعری و علمی در حدی بود که با شاعران بزرگی مانند اثیرالدین اومانی و کمال‌الدین اسماعیل دوستی و مکاتبه داشته و حتی قصیده‌ای بسیار زیبا دارد که آن را بر وزن یکی از قصاید فلکی شروانی (متوفی سال ۵۸۷ یا ۵۷۷) سروده است. (دیوان کمال‌الدین اسماعیل: ۲۲۱)

رکن‌الدین دعوی‌دار قمی به گواهی بسیاری از تاریخ‌نگاران و ادیبان و تذکره‌نویسان، مردی دانشمند و فقیه بوده و احاطه کامل بر دو زبان فارسی و عربی داشته و با توجه به اشعار عربی او میتوان گفت که در سرودن آن تحت تأثیر شاعران جاهلی و شعرای متقدم عرب قرار داشته و در اسلوب شعر شباهت چشمگیری بین اشعار عربی او و اشعار سید فضل‌الله راوندی وجود دارد و دلیل آن نیز ممکن است این باشد هر دو از یک محیط فرهنگی برخاسته‌اند با این وجود در اشعار فارسی و عربی او، مطالب علمی که برخی از شاعران در اشعار خود می‌آوردند؛ کمتر مشاهده میشود، تنها اصطلاحات شطرنج و نرد و گاهی نیز علم هیئت در آن خودنمایی میکند، اما با توجه به این که شاعری مدیحه‌سراست. جنبه‌های ادبی این دیوان بر جنبه‌های علمی آن رجحان دارد که نمونه‌های از این ویژگی‌های ادبی بیان میگردد.

۱- تشبیه

قرن ششم و هفتم از نظر ویژگی‌های ادبی یکی از غنی‌ترین ادوار شعر فارسی دری است. ویژگی‌های ادبی که از دوره‌های قبل بتدریج پدید آمده بود، از قرن پنجم بعد تکامل مییابد و به اوج میرسد از نظر عناصر زیبایی، انواع تشبیه در آن خودنمایی میکند و تشبیهات حسی دوران گذشته جای خود را بیشتر به تشبیهات عقلی و وهمی میدهد چون اکثر شاعران در این دوره درس خوانده‌اند تشبیهات، استعارات و تعبیرات فراوانی در شعرشان یافت میشود که در این تشبیهات، وجه شبه‌های دور از ذهن را بر میگزینند، مهارت رکن‌الدین دعوی‌دار قمی نیز در ساختن همین تشبیهات است که نمونه‌هایی از آن ذکر میشود:

۱-۲ تشبیهات وهمی

«رواج تشبیهات خیالی و وهمی در شعر فارسی مربوط به قرن پنجم و اوایل قرن ششم، یکی از مشخصه‌های تبدیل سبک خراسانی به عراقی و شعر بینابین این دو سبک است.» (بیان، شمسیا: ۷۱)

شاهی که با حمایت شهباز عدل او شاهین و باز را عی کبک و کبو ترند
(اصفهانی: ۲۲۳)

عنقای مغرب است ستم تا به دولتش عالم همای عدل ورا زیر شهپر است
(همان: ۲۲۳)

از نصیب صدمه زان مغرب در زمان بیضه سیمرخ مشرق زآشیان برداشتند
(همان: ۲۲۰)

۱-۲ تشبیهات غیرحسی

تقریباً اکثر تشبیهات در اشعار بجای مانده از شاعر، تشبیهات غیرحسی اند:

می زند بر رقعۀ حسرت ورا شه رخ بسی نی که شهماتش پیایی پیل بالا می‌رسد
(همان: ۲۰۹)

شب بلا که مر آن را امید روز نبود به دولت تو بدل شود به صبح روز بهی
(همان: ۲۱۳)

۱-۳ تشبیهات بلیغ

در این نوع تشبیه تنها مبدعه و مشبه به ذکر شده و گاهی نیز بهم اضافه شده اند ، در این صورت ادات تشبیه و وجه شبه محذوف است . در نتیجه خیال انگیزی و ابهام بیشتری در ذهن خواننده ایجاد میکند ، زیرا با حذف ادات و وجه شبه بر همانندی طرفین تشبیه ، بیشتر تاکید میشود زیرا وقتی وجه شبه و ادات ذکر میگردد تقارن و دوگانگی میان دو سوی تشبیه محسوستر است. « این نوع تشبیه را از آن جهت بلیغ میگویند که تشبیه از نظر ادباء هر قدر نامعلوم تر باشد مبالغه و تاکیدش بیشتر است.» (معنی و بیان ، همایی، ص ۱۶۱) ، در اشعار باقیمانده از رکن‌الدین دعوی‌دار قمی ترکیبات فراوان تشبیهی وجود دارد که بسامد آن نسبت بترکیبات دیگر بیشتر بنظر میرسد.

از ستم و جور تست غمکده دل خراب همچو ز تیغ ملک عالم جور و ستم
(همان ۲۵۶)

با همای عدل تو زاغ ستم همچو عنقا خانه‌پردازی کند
(همان ۲۳۶)

۴-۱. تشبیه ملفوف

«یعنی چند مشبه (حداقل دوتا) جداگانه ذکر شود و سپس مشبه به های هر کدام بترتیب جداگانه گفته شود. پس اینگونه تشبیه مبتنی بر صنعت بدیعی لف و نشر

است.» (بیان، شمیسا، ۱۱۹)

تا گل و شکر بود روی و لب‌ت شکر و گل را که تمکین می‌کند
(همان: ۲۲۴)

سرو و گل بنده‌ی قد و رخ توست گرچه گل شاه و سرو آزاد است
(همان: ۲۳۱)

۱-۵. تشبیه مفروق

تشبیهی است که طرفین آن متعدد است ولی هر مشبیهی با مشبه به خود همراه است.

هم‌چون خم چلیپا زلف تو کفر پیرا هم‌چون دم مسیحا لعل تو روح پرور
(همان: ۲۰۹)

باده چو روی ساقی غم کاه و شادی افزا ساقی چو طبع باده اندوه زدا و غم بر
(همان: ۲۱۰)

صبح چو بازارگان بر سر چه با رَسَن مهر چو یوسف زده دست به دلو اندرش
(همان: ۲۱۹)

۱-۶. تشبیه مرکب

تشبیه مرکب یکی از گونه‌های پر کاربرد تشبیه است که در آن شاعر در صدد تشریح بلاغی مشبه است، خواه هدف او تصویر باشد و خواه تمثیل. در خصوص انتزاع وجه شبه متعدد که مایه اصلی تشبیه است جرجانی معتقد است که گاه اموری با هم تالیف میشوند که هر کدام خاصیت یا خصوصیتی از مشبه را به تصویر میکشند، این امور را نباید تشبیه های جداگانه دانست، بلکه باید هیأت تالیفی آنها را بمنزله مشبه برای تشبیه مرکب فرض کرد. (اسرارالبلاغه، جرجانی: ص ۵۷) تشبیه مرکب یکی از پیچیده ترین و زیباترین انواع تشبیه است در تشبیه مرکب، مقصود از مرکب لزوماً یک جمله یا عبارت یا مجموعه چند واژه نیست بلکه از یک هیأت انضمامی است و بقول قدما، مرکب، هیأت منتزع از چند چیز است به زبان امروز، تابلو تصویری است ذهنی، که چند چیز در بوجود آمدن آن نقش داشته باشد. (بیان، شمیسا: ص ۷۱) استفاده یک شاعر از تشبیه مرکب دلیلی بر مهارت و تسلط وی در فنون ادبی دارد.

ای دیده گر ندیدی دریا میان زورق در بزم شاه بنگر می در میان صاغر
(همان: ۲۱۰)

رخساره خوب و درّ دندانت ماهی است درو نهاده پروین
(همان: ۲۱۳)

۱-۷. تشبیه تفضیل

نه هیچ گل چو گشاید دو رُخ بدان رنگ است نه هیچ سرو چو بندد قبا بدان بالاست
(همان: ۲۳۸)
لب لعلت به شکر قیمت گوهر شکند سرزلفت به شکن رونق عنبر شکند
(همان: ۲۱۷)

۱-۸. تشبیه جمع

این تشبیه برعکس تشبیه تسویه است یعنی یک چیز به چند چیز تشبیه میشود.
چو صبح پرده دری چون شفق شوی خونخوا چو مهر تیغ زنی چون سپهر ستیزی
(همان: ۲۱۲)
جهان ستان و جهان بخش چون سکندر و جم سر ملوک عرب خسرو ملوک عجم
(همان: ۲۱۲)
دل تو سنگ و آهن است ولیک از دلم عشق آذر انگیزد
(همان: ۲۲۹)

۱-۹. تشبیه تسویه

« که آنرا مزدوج نیز گویند و آن اینست که مشبه متعدد و مشبه به یکی باشد یعنی چند چیز را به یک چیز مانند کنند. » (معانی و بیان، همایی: ص ۱۵۵)
ملک و دولت چو زمین ساکن و آسوده بود تا تو با دست قوی همچو فلک برپایی
(همان: ۲۲۷)
که هفت عضو من و موی های من بر تنه شکر نعمت‌های تو چوزبان گویاست
(همان: ۲۳۸)

۲- استعاره

از دیگر عناصر بیانی که شاعران سده های ششم و هفتم توجه زیادی به آن دارند؛ انواع استعاره است در شعر این شاعر نیز توجه خاصی به ترکیبات استعاری شده است که بعد از ترکیبات تشبیهی از بسامد قابل توجهی برخوردار است.

چنگ اجل آن زمان نبیند از دامن هیچ نای منفک
خیمه چه زنم که دست گردون بگسست ز هم طناب بختم

۳- کنایه

کنایه عبارت یا جمله‌ای است که مراد گوینده ، معنای ظاهری آن نباشد اما قرینه صارف‌های که ما را از معنای ظاهری، متوجه معنای باطنی کند نیز وجود داشته باشد. (بیان، شمیسا، ۲۳۵)

صبحدم را سیاه بادا روز ز آن که با ما سپید کاری کرد
(همان: ۲۳۰)

«سپید کاری کردن» کنایه است از دورویی و نفاق.

سوی یاقوت و لعل از ریش گاوی فروغ مهره خرمی فرستم
(نسخه خطی: ۲۴۶)

«ریش گاو» کنایه از مردم ابله و احمق و طامع و صاحب آرزوست.

امروز ز تلخ گفتنش روشن شد کان شورانگیز در شکم دندان داشت
(همان: ۲۵۴)

«دندان در شکم داشتن» کنایه از کینه نهایی داشتن، پنهانی در صدد آزار کسی بودن.
با می همه عمر خواب خرگوش آخر گرگ آشتی با خردت هم باید
(نسخه خطی: ۲۵۴)

«گرگ آشتی» کنایه از صلح به نفاق و مکر و حيله و فریب است.

۴- تلمیح

بکار بردن تلمیحات تکراری و اشاره به اشخاص و داستانهای اساطیری و عقاید عوام از شگردهای شاعر است:

۴-۱. حاتم طائی و صاحب کافی

اگر شود به مثل زنده، حاتم طائی ز خرمن کرمش خوشه چین تواند بود
(همان: ۲۴۸)

کفایت و کف او هر زمان به رشک آرد روان صاحب کافی و حاتم طائی
(همان: ۲۳۶)

۴-۲. دیو و سلیمان

دل به بوی وصل تو دیوانه شد دیو را ملک سلیمان درخور است
(همان: ۲۵۰)

ور لشکر دیو خود چو مور و ملخ است المنه لله که سلیمان برجاست
(همان: ۲۵۲)

۴-۳. خضر و آب حیوان

خضر را زان چه که اندر گوشه ای تشنه ای را آب حیوان درخور است
(همان: ۲۵۰)

چو موسی طالب خضر و گرنه چرا قطره به اخضر می‌فرستم
(همان: ۲۴۶)

۴-۴. عیسی و حضرت مهدی و دجال

نغمه چنگ و رخ مطرب و نوش ساقی	مرده را بی دم عیسی مدد جان دارد (همان: ۲۲۲)
عیسی صفت آمدست رای تو مگر	کز فتنه دجال جهان ایمن کرد (همان: ۲۵۲)
رایت مهدی افراخته باید گـر نه	نبود لشکر دجال به جز غوغایی (همان: ۲۲۷)

۴-۵. موسی و سامری و ید بیضا و ثعبان

هست ورا آن ید بیضا کزو	معجز موسی به عیان آورد (همان: ۲۳۹)
تو موسی وقت و کسری عهد	خصم تو چو سامری و مزدک (همان: ۲۴۳)
گفت که چون ید بیضاست اندرو کلک است	کز و هر آنکه بدیدش نشان ثعبان داد (همان: ۲۴۰)

۴-۶. ابرهه و کعبه

چو گشت بانی کعبه خلیل و اسمعیل	که باشد ابرهه کو کعبه خراب کند (همان: ۲۴۱)
ز بسیاری خصم و انبوه پیل	زیانی نباشد به بیت الحرم (همان: ۲۴۲)

۴-۷. اسکندر و آب حیوان

سکندر دوم آمد که خاک درگه او ست	چنان عزیز که شد بنده آب حیوانش (همان: ۲۱۲)
---------------------------------	---

۵- تناسب و مراعات نظیر

رکن‌الدین دعوی‌دار قمی با شبکه گسترده تناسب بدنبال مضمون‌سازی و مضمون‌پردازی است که در اکثر ابیاتش از آن استفاده نموده است. اکنون نمونه‌هایی از انبوه مراعات نظیر و تناسب در اشعار او:

هم چون خم چلیپا، زلف تو کفر پیرا	هم چون دم مسیحا، لعل تو روح پرور (همان: ۲۰۹)
بر کف نهاده صهبا ترکان روس و یغما	بر بر نهاده بریط خوبان چین و بربر (همان: ۲۱۰)

۶- ایهام تناسب

از صنایع بدیعی که در شعر رکن‌الدین خودنمایی میکند «ایهام تناسب» است و این صنعت ادبی موجب شده که دامنه تخیل شاعرانه او بطور محسوسی گسترش یابد و باعث درخشانی و تصویر آفرینی سخن او شود.

هر زبانه کآتش تیغش زند در قلب رزم شعله‌اش سوزنده تا در قلب و زبانا میرسد
(همان: ۲۰۹)

«قلب» در مصراع اول به معنی مرکز سپاه و در مصراع دوم بمعنی وسط دریا اما با آتش زدن ایهام تناسب دارد به معنی «قلب و دل».

در حرف خنجر تو کسر عدوست مد غم در نصب رأیت تو فتح است و نصر مُضمر
(همان: ۲۱۰)

در این بیت «کسر» بمعنی شکستن و شکستگی است اما به معنی حرکت زیر و کسر عربی با مد و فتح ایهام تناسب دارد. «فتح» به معنی پیروزی و شکست دادن و علامت فتحه عربی را گویند که با کسر و مد و نصب ایهام تناسب دارد.

۷- استخدام

گاهی شاعر آنچنان با مهارت با معنی واژگان بازی میکند و واژه را بخدمت میگیرد که برای آن واژه میتوان دو معنی در نظر گرفت و حفظ دو معنی در بیت ضروری، و حذف آن موجب اختلال در معنی خواهد شد:

نتیجه گوه‌ر تیغ تُست عدل، آری ز آفتاب همه نور و روشنی زاید
(همان: ۲۱۳)

"گوه‌ر تیغ" استخدام است برای ممدوح شاعر برق شمشیر و برای آفتاب اشعه‌های نورانی است.

بشکستی سر زلفت چو دلم رفت درو تا دلم با سر زلف تو برابر شکند
(همان: ۲۱۷)

"شکستن" استخدام است برای دل، رنجاندن و آزدن و برای زلف، چین و شکن است.

۸- ضرب المثل

امثال و حکم و ابیات عربی نیز در اشعار فارسی او مشاهده میشود.

فَلَمْ تَكُ تَصْلَحْ إِلَّا لَهُ وَلَمْ تَكُ تَصْلَحْ إِلَّا لَهَا
(همان: ۲۴۹)

ز جور دهر هر آنکس که جز به درگه او چناه ساخت ز باران [به] ناودان آمد
(همان: ۲۱۵)

«از باران به ناودان گریختن» ضرب المثل است.

اگر عدوی تو شیری نمود در قصدت به پیش حزم تو هم گربه بفکند ز بغل
(همان: ۲۲۵)

«گربه از بغل افکندن» ضرب المثل است.

تو در جوال هنر رفته ای چه ساده دلی خود این قدر شناسی با سگی به جوال
(همان: ۲۲۶)

«با سگ به جوال رفتن» ضرب المثل است.

۹- جناس

تفنن‌های فراوانی که شاعر در ساختن انواع جناس بکار برده، بیانگر آن است که شاعر تعمداً خواسته تا با بازی با کلمات و تصحیف، قدرت بیان و مهارت و اطلاعات علمی خود را نشان دهد. اگر چه این هم حروفی در شعر شاعران قبل از او سابقه داشته اما رکن‌الدین آنرا بصورت ماهرانه بکار میبرد. اینک نمونه‌های از انواع جناس در دیوان شاعر:

۹-۱. جناس تام

جود دستش کان و دریا را به یغما میدهد صیت عدلش تا به حدّ چین و یغما میرسد
(همان: ۲۰۸)

در عدل، همچو کسری، مشهور هفت گیتی در ملک، همچو دارا، دارای هفت کشور
(همان: ۲۱۰)

۹-۲. جناس مذیل

او چو مهرست و هر آن کو در سواد عالم است مرورا سودای مهرش تاسویدا می‌رسد
(همان: ۲۰۹)

از کرم‌ت زائران دیده فنون نعیم وز نعمت سائلان یافته گنج نعم
(همان: ۲۱۱)

۹-۳. جناس اشتقاق

خسروا داعی دولت را دعای دولّت بر زبان مفرد و بر طبع تنها می‌رسد
(همان: ۲۰۹)

خیل تورا پیشرو، رایت امن و امان خصم تورا جان ستان، لشکر نور و ظلم
(همان: ۲۱۲)

۹-۴. جناس خط (مصحف)

- از بیم نوک نیزه، از سهم زخم نـاوک
نبود قـراب خـنجر الـآ رقاب و حـنجر
(همان: ۲۱۰)
- به خون حـنجرم خـنجر بیـالاید پس آن گاهی
به قصد خون به بالین هنرمندی دگر تازد
(همان: ۲۴۴)

۹-۵. جناس ناقص (محرّف)

- دشمن است و دوست اندر مالش و مالش مدام
ایـن را زاری آن زرّ و کـالا می‌رسد
(همان: ۲۰۹)
- بذل و صون عـرض و عـرض از آن خصلت‌هاست
که طبع کرم پرور او محمود است
(همان: ۲۴۹)

۹-۶. جناس مطرّف

- ز بوستان نبوّت نه هر گلی که شکفت
تورا قرین شد یا با تو هم قران آمد
(همان: ۲۱۵)
- زمانه هست در ایذای دشمن تو مصیب
که هر زمان به دگر محنتش مُصاب کند
(همان: ۲۴۱)

۹-۷. جناس مضارع

- بـه فضـل آرَب اخـتـیـار عـ رَـب
بـه جـود و سـخا افـتـخـار عـجم
(همان: ۲۴۱)

۹-۸. جناس لاحق

- آن چه روز بزم جودش با موالی می‌کند
وآنچه روز رزم از تیغش به اعدا می‌رسد
(همان: ۲۰۹)
- نتایج قلم او حسود دولت را
چو تیغ قـائد حتف و رائـد آجال
(همان: ۲۲۶)

۹-۹. جناس زاید

- جهان ستان و جهان بخش چون سکندر و جم
سر ملوک عرب خسرو ملوک عجم
(همان: ۲۱۲)
- گر نام‌کس به خطبه و منبر شود شریف
دایم به یـاد تو تشریف منبر است
(همان: ۲۲۳)

۹-۱۰. جناس قلب

از بیم نوک نیزه از سهم زخم ناوک
نبود قراب خنجر آلا رقاب و حنجر
(همان: ۲۱۰)
تا ابد از عمر برخوردار باد
چشم بخت دولتش بیدار باد
(همان: ۲۳۵)

۹-۱۱. جناس مرکب یا مرفو

سهم تیغ او عدو را می رباید جان ز دور
تا نگویی تیغ او تنها به تنها می رسد
(همان: ۲۰۹)

۱۰- تکرار

یکی از ویژگیهای شعر قرن ششم و هفتم بازی با کلمات و تکرار واژه‌هاست و شاعران معمولاً از آن در خیال آفرینی و بیان مفاهیم خویش استفاده میکنند. رکن الدین دعویدار قمی نیز از کاربرد این شیوه بی بهره نیست و حتی گاهی بدون در نظر گرفتن معنی با واژگان بازی میکند:

ای دیده‌ی کس چو تو ندیده
خود دیده چه آفتاب و دیده
(همان: ۲۱۴)
اهل کرم یمین به یمینش خورند از آنک
هست این یمین که باشد ازین خلق یسار
(همان: ۲۳۴)

۱۱- هم حروفی (واج آرای یا نغمه حروف)

شاعر از مجموعه صنایع لفظی برای زیبایی کلام استفاده مینماید با توجه به آنکه گاهی نیز عمداً تلاش میکند موسیقی خاصی را با آنها بوجود بیاورد ولی بسیار طبیعی جلوه میکند. یکی از این صنایع که در اکثر ابیات او خودنمایی میکند هم حروفی است که بعلا کثرت آن فقط بچند نمونه اشاره میشود:

آن شهنشاهی که عدلش نور خورشید آمدست
کش اثرها هم به خشک هم به دریا میرسد
(همان: ۲۰۸)
آن که فیض فضل و تأیید ظفر زی حضرتش
هر زمان از حضرت ایزد تعالی میرسد
(همان: ۲۰۸)

۱۲- هم صدایی

یکی دیگر از ویژگیهای شعری شاعر همصدایی به گونه‌های مختلف است، یعنی شاعر سعی کرده واژه‌هایی را با هم بیاورد که در برخی از صامتها باهم مشترک باشند این واژگان گاهی هم ریشه‌اند و اشتقاق دارند و گاهی نیز هیچ هم ریشگی با هم ندارند:

(همان: ۲۰۹)

رأیت مهدی افراخته باید گر نه نبود لشکر دجال به جز غوغایی

(همان: ۲۴۵)

شاعر چندان از تمکن بهره‌ای نداشت، در برخی از اشعارش از فقر و تنگدستی مینالد:

کزین دهر نااهل حاش الوجوه خری چه که یک تویرم آرزوست
بدین بینوایی چنین زندگی اسلام دورم اگر آرزوست

(همان: ۲۴۵)

شاعر برای توجیه عملکرد خود، برای رفتن به دربار ممدوح، گاهی خود را آزاده میخواند و درگاه ممدوح را ملجأ و پناهگاه آزادگان میداند:

درگه شه ملجأ آزادگان عالم است سروری بر آسمان درگاه او را می‌رسد

(همان: ۲۰۹)

گاهی بمرحله‌ای از نیاز میرسد که و جایگاه خود را تا حد سگ تنزل میدهد:

سگ کوی تو شدم رو به خود خوانم از آنک شیر بسیار بود کآهوی لاغر شکند

(همان: ۲۱۷)

و گاهی نیز مانند بسیاری از شاعران قبل از خود، از روزگار و دشمنی آن با اهل هنر و ادب و فضل و دانش شکایت میکند:

گردون ز برای هر خردمند صد شربت جان ستان درآمیخت

(همان: ۲۴۵)

دارد از گردون دون شکایت‌ها بسی زان کش از وی زخم‌های بی‌محابا می‌رسد

(همان: ۲۰۹)

گاهی نیز نوعی تناقض‌گویی در اندیشه‌هایش خودنمایی میکند، زیرا علاوه بر آن که در بسیاری از قصایدش مانند شاعران متاح، چشم به جود و بخشش ممدوحان خود دارد و آنان را به جود و بخشندگی ترغیب میکند:

ای عطابخشی که از جود دو دستت روز و شب اهل هفت اقلیم را آلا و نعمتا می‌رسد

(همان: ۲۰۹)

نصیب داعی دولت ز جود مکرمت همیشه نعمت و تشریف و اسب و استر باد

(همان: ۲۱۳)

در اشعار دیگری توصیه میکند نباید از درگاه پادشاهان گدایی کرد:

مریز آب رخ و زیر پای پیل نمیر منال طرح کن و پیش هیچ شاه منال

(همان: ۲۲۶)

دعویدار قمی شاعری عالم و درس خوانده و صاحب نظر در علوم مختلف عصر خویش است. و دیوانش علاوه بر اشتغال بر محتویات علمی و نظریات شاعر در باب مسائل علمی، به ستایش ائمه اطهار و بزرگان شیعه مذهب، نکوهش دنیا، تقیّد به نیکی و تعهّد به رفتار پسندیده، ممارست در کسب علم و دانش و سفارش به تأسّی ممدوحان خویش از سیرت ائمه اطهار و جود و بخشش میپردازد و در این راه از داستانها و اساطیر قرآنی و شیعی بهره میگیرد.

نتیجه‌گیری

رکن‌الدین دعویدار قمی، شاعر شیعه مذهب و ذواللسانین سده‌های ششم و هفتم که در عصر خود عالمی مقبول‌العام و ستوده بود و دیوانش را بفرمان «عزالدین یحیی» گردآوری نمود. نسخه خطی دیوانش بخط «صدرالدین محمد بن جعفر بن علی بن محمد علی معمار اصفهانی» بجا مانده است. دیوان رکن‌الدین دعویدار قمی تنها اثر به جای مانده از شاعر است که یکی از گنجینه‌های مهم و ناشناخته شعر فارسی در سده‌های ششم و هفتم بشمار می‌آید. علاوه بر آن حدود صد بیت بطور پراکنده در سفینه‌ها و تذکره‌ها و جنگ‌ها آمده است که در دیوان دستنویس نیامده است.

به اعتقاد بسیاری از تذکره‌نویسان و بزرگان ادب فارسی، او در نظم و نثر فارسی و عربی استاد بود. با توجه به گرایش او به سبک و محتوای اشعار شاعران گذشته و تقلید از بزرگان ادب فارسی، بیشتر سروده‌های او تحت تأثیر سنت‌های شعری عربی و فارسی پیشینیان است. ولی برخلاف جریان مرسوم عصر خود و مجذوب شدن شاعران هم‌عصرش بسوی پیچیدگی و مغلق‌گویی، با بیانی ساده و روشن و به دور از پیچیدگی و ابهام، به آفرینش ادبی پرداخت. صنایع ادبی در شعر رکن‌الدین دعویدار قمی در حد اعتدال است مانند تشبیه، استعاره، ایهام تناسب، تضاد، التزام، لزوم‌مالایلم و اشاره به تلمیحات تکراری و همچنین در قصاید او ترکیبات دشوار و کلمات نا‌مانوس و تعبیرات ثقیل نیز یافت میشود؛ مانند خَوْل - مدّری - رسیلی کردن - اکسون - عری - خطل - مُقَل - اذیال - سربال - فقاع گشودن - بالغدّو و الآصال - طبطاب - بُؤس - غموس - ناوس - فلوس - بئس المآب و

علاوه بر مدح و ستایش که اصلیت‌ترین مضمون شعری وی بحساب می‌آید، شکایت از روزگار، بیان دشمنی زمانه با اهل ادب، پند و اندرز، وصف طبیعت، عشق و ...، جزو مضامین شعری او هستند که در اشعار او نمود بیشتری دارند. کاربرد فراوان اصطلاحات مربوط به شطرنج، نرد و علم هیئت را میتوان وجه ممیّزه شعر او دانست.

برخی از قصاید رکن‌الدین فاقد تغزل هستند، اما تغزلاتش در قصایدی که دارای تغزل

هستند، گاهی بسیار لطیف، بدیع با توصیفاتی کمیاب و زبانی روان و طبیعی است. این تغزلات از ظرافت و حسن بیان خاصی برخوردار است و دارای ویژگیهایی است که میتوان آنها را اشعاری میان سبک خراسانی و سبک عراقی دانست.

معمولاً قصاید او دارای شریطه است و شاعر تخلص خود را در چند بیت مانده به پایان قصاید می‌آورد. در نگاهی اجمالی میتوان گفت تقریباً تمام اشعار باقیمانده از او رنگی از مداحی و ستایشگری دارد، در حقیقت مدح حاکمان، وزیران و امیران شیعی مذهب، موضوع اصلی اشعار او را تشکیل میدهد.

منابع و مآخذ

- *آتشکده آذر*، آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ، (۱۳۳۶)، به کوشش حسن سادات ناصری، تهران، امیرکبیر

- اسرار البلاغه، جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۷۴)، ترجمه جلیل تجلیل، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

- *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، تهرانی، آقا بزرگ، (۱۳۷۴)، بیروت، دارالاضواء.

- بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۷۱)، تهران: میترا

- *تاریخ ادبیات در ایران*، صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۱ش)، ج ۳، چاپ یازدهم، تهران، فردوس

- *تاریخ یعقوبی*، یعقوبی، احمد بن اسحاق، آیتی، محمدابراهیم، (۱۳۸۹)، تهران، علمی و فرهنگی

- تذکره روز روشن، صبا، محمد مظفر حسین، (۱۳۴۳)، به تصحیح و تحشیه محمدحسین رکنزاده آدمیت، رازی، تهران

- *تذکره ریاض الشعرا*، واله داغستانی، علیقلی، (۱۳۸۴)، تهران، اساطیر

- *تعلیقہ نقص*، محدث ارموی، میر جلال الدین، (۱۳۵۸)، تهران، انجمن آثار ملی

- *درآمدی بر سبک شناسی ساختاری*، غیائی، محمد تقی، (۱۳۶۸) چاپ اول، تهران، انتشارات شعله اندیشه

- *دیوان اشعار*، انوری، اوحدالدین، (۱۳۴۷)، به کوشش محمد تقی مدرس رضوی، تهران، علمی و فرهنگی

- *دیوان کمال الدین اسماعیل*، اصفهانی، کمال الدین، (۱۳۴۸)، تهران، دهخدا

- *دیوان*، دعوی‌دار قمی رکن الدین، (۱۳۶۵ش)، به تصحیح علی محدث، تهران، امیرکبیر

- *سبک شناسی*، بهار، محمد تقی، (۱۳۷۰)، ج ۲ و ۱، تهران، امیرکبیر

- سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۹۱) چاپ اول، تهران: انتشارات سخن

- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، (۱۳۹۳)، تهران، میترا

- کلیات / واحدی / اصفهانی، واحدی اصفهانی معروف به مراغی، (۱۳۴۰). به کوشش سعید نفیسی، تهران، امیرکبیر

- فرهنگ تلمیحات، شمیسا، سیروس، (۱۳۷۳)، تهران، فردوس

- فرهنگ جهانگیری، انجو شیرازی. میر جمال‌الدین (۱۳۵۹)، ویراست رحیم عقیقی، مشهد، دانشگاه مشهد

- فرهنگ عمید، عمید، حسن، (۱۳۷۲)، تهران، امیرکبیر.

- فرهنگ ناظم‌الاطبا، نفیسی، علی اکبر، (۱۳۴۳)، تهران، خیام

- لغت فرس، اسدی طوسی، ابو منصور احمد بن علی، (۱۳۶۵). به تصحیح فتح‌الله مجتبابی و علی اشرف صادقی، تهران، خوارزمی

- لغت‌نامه، دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳) زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، دوره جدید (چهارده جلدی)، تهران، دانشگاه تهران،

- مرزبان‌نامه، وراوینی، سعدالدین، (۱۳۸۴)، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، مروی

- مجمع‌الفصحا، هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۱ش)، به کوشش: مظاهر مصفا، ج ۲، تهران، امیرکبیر

- مجموع منتخبات دواوین، محمد بن جعفر علی، (۱۰۴۰ق)، مشهد، آستان قدس

- معانی و بیان، همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۳) موسسه نشر هما

- مونس‌الاحرار فی دقائق الاشعار، جاجرمی، بدرالدین، (۱۳۵۷) تصحیح: میر صالح طیبی، ج ۲، تهران، امیرکبیر